

خبر و شر تکنولوژی از دیدگاه هایدگر میل مفرط انسان به تصرف عالم

فلسفه تکنولوژی

دکتر مهدی معین زاده

استاد فلسفه علم و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تاریخچه اومانیزم به قرن چهاردهم برمی گردد که دو قرن بعد توسط دکارت با ضابطه «من می اندیشم؛ پس هستم» صورت بندی فلسفی شد. این ضابطه علاوه بر اینکه غلبه معرفت شناسی را بر هستی شناسی اعلام می کرد هستی را هم تابع اندیشه و منویات انسان می کرد. زمانی اگر جهان را اندیشه خداوند و فکری از عقل کل می دانستند؛ در این دوره، اندیشه انسان به جهان بدل شد و انسان به محور و مدار هستی بدل گشت و اینچنین بود که ماهیت و فلسفه «تکنولوژی» مورد مذاقه فیلسوفانی چون هایدگر قرار گرفت.

هایدگر در مقاله «پرسش از تکنولوژی»

یک «قاب نقاشی» تصویر می کند که خودش نقاش آن است. بنابراین هر چیزی را آن طور که خود می خواهد و در جایی که خود می خواهد می نشاند؛ متن را تعریف می کند، حاشیه را می کشد و روابط و نسب ها را شکل می دهد؛ یک امر را معرفت می شناسد؛ امر دیگری را خرافه می خواند. بنابراین از دید هایدگر، تکنولوژی ابزار نیست بلکه یک «شیوه دید» است؛ نحوه دیدی که در آن، انسان به عنوان نقاش هستی جایگاه تمام موجودات را مشخص کرده است.

این یعنی تصرف در موجودات و جایگاه خداوندی پیدا کردن که این امر در متافیزیک و در تفکر نیچه به اوج می رسد و «اراده معطوف به قدرت» را به وجود می آورد. پس تکنولوژی اگر ابزار نیست گشایشی است که انسان را در مرکز عالم می نشاند، منویاتش را، خواست هایش را، اراده اش را اراده مطلق عالم می داند و نسبت هر چیزی را با آن می سنجد.

از نظر هایدگر، تکنولوژی تقدم وجودی

بر علم دارد. در حالی که اغلب فکر می کنیم ابتدا یک علم به لحاظ تئوریک، گزاره هایش کشف و سپس بر اساس آن، تکنولوژی اش ساخته می شود؛ و بر این باور هستیم که اتفاقی شبیه مهندسی در ایجاد تکنولوژی رخ می دهد. در حالی که هایدگر می گوید تکنولوژی، تقدم وجودی بر علم دارد؛ یعنی خواست تصرف عالم، تقدم وجودی بر علم پیدا می کند.

مثال خود هایدگر این است که وقتی شما رودخانه را این را می نگرید به پیچ و تاب زیبایی راین توجه نمی کنید بلکه اولین چیزی که با مشاهده رودخانه راین به ذهن انسان خطور می کند این است که چند مگاوات برق می توان از آن استخراج کرد. این، یعنی «قصه تصرف عالم» تقدم بر علمی دارد که قرار است بر آن اساس ساخته شود. ما در دوره ای هستیم که قصد تصرف عالم حرف اول را می زند؛ پدیده های عالم چیزی نیستند جز ذخیره دائم و قائم برای خواست های انسان. بنابراین تکنولوژی به «میل تصرف در عالم» تبدیل می شود.



هایدگر در مقاله «پرسش از تکنولوژی» می گوید مخالف تکنولوژی نیستم و تکنولوژی را شرم نمی دانم کما اینکه خیر هم نمی دانم. آنچه مهم است «فهم» بنیان تکنولوژی است. وقتی بنیاد آن را فهمیدید راه را پیدا می کنید



تکنولوژی «انسان» را می نشاند

هایدگر می گوید انسان جهان را به مثابه یک «قاب نقاشی» تصویر می کند که خودش نقاش آن است. بنابراین هر چیزی را آن طور که خود می خواهد و در جایی که خود می خواهد می نشاند؛ متن را تعریف می کند، حاشیه را می کشد و روابط و نسب ها را شکل می دهد؛ یک امر را معرفت می شناسد؛ امر دیگری را خرافه می خواند.

luchte.wordpress

در بسیاری از شرکت ها و سازمان های تجاری بزرگ دنیا، پیش برندگان «ذهن آگاهی» خود را به کوچینگ (coaching) گره زده اند که خود به یک تجارت بزرگ جهانی بدل شده است. او در تحقیقاتش مدعی شده است که ذهن آگاهی با شدت بسیار، پزشکی مدرن را طبعی سازی می کند و از دلایلی که برای این ادعایش برمی شمارد، چنین است: ذهن آگاهی سلامت را در بهورزی کامل ذهن و بدن و روح می داند و چنین سلامتی می تواند انتهای نداشتن باشد و همیشه می تواند انسان سالم تری باشید و اینچنین ذهن آگاهی تعریف بیماری را بسیار فراتر از تعریف جریان اصلی پزشکی می برد. در ذهن آگاهی همیشه شما باید در پی رفع کردن ناخوشی هایتان باشید و مشکلتان این است که کل ماجرای سلامت را به یک موضوع فردی تقلیل می دهد. بنابراین خواتان به عنوان شخص بیمار مسئول اضطراب های هستند که دنیای مدرن به شما تحمیل کرده است اما ذهن آگاهی شما را مسئول این اضطراب ها می شناسد و از شما انتظار دارد که آن را مدیریت کنید و چیزی را متوجه خارج از شما نمی کند. اینچنین می شود که درمان در تمرین های ذهن آگاهی فرایندی تمام ناشدنی است و به همین دلیل «شفاف» در ذهن آگاهی به یک مفهوم مبهم بدل می شود.

فرب پیچیده

مثال دیگر مربوط به «طب گیاهی» است این طب در سال ۲۰۱۹، بازار ۸۴ میلیارد دلاری داشته است. امروزه بسیاری از شرکت های داروسازی، خط تولید طب گیاهی هم دارند و اینچنین طب های مکمل را تقویت می کنند و ماجرا بسیار پیچیده شده است؛ چرا که «طب مکمل» وارد بدنه «پزشکی مدرن» شده است

دست به دست هم در حال طبی سازی هستند. بنابراین «اگر ما فکر کنیم طب سنتی و طب گیاهی یک صنعت روستایی است درآشناهیم!»

امروزه بزرگترین کارخانه های چندملیتی درگیر ساخت انواع ویتامین ها و داروهای گیاهی و وسایل طب سوزنی شده اند در حالی که تبلیغ می کنند: «طبیعی بودن این تر است» این دوگانه سازی «طبیعی- شیمیایی» دوگانه کاذب و ساخته و پرداخته خود این شرکت های تجاری است که «صنعت سلامت» را مدیریت می کنند.

مکتوب های حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی های دکتر مهدی معین زاده و دکتر امیرحسین موسوی است که در همایش ملی «تکنولوژی و فرهنگ» در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه شده اند.

نیست که فقط با تحلیل زیست شناختی بتوان بیماری و سلامتش را توصیف کرد. معتمد این تلقی از انسان و طب، اتفاقاً طبی سازی بیشتری را در خود نهفته دارد؛ چرا که وقتی «سلامت» را به این اندازه گسترده می کنیم که ساحات های مختلف انسان از جمله ساحت روحانی او را هم دربرمی گیرد در واقع پزشکان معنوی و مشاوران مذهبی را هم به سیستم درمان وارد می کنیم و این نگرش طب سنتی، متضمن طبی سازی بیشتر زندگی انسان است؛ در حالی که ادبیات انتقادی به طبی سازی هدفش این بود که عمل طبابت را از بادهایی که به طبابت ارتباطی ندارد، خارج کند.

ما این کار نه تنها عمل طبابت را از قید این بادهای غیرضروری خارج نکرده ایم بلکه طبی سازی را در لباس های مبدل به جامعه عرضه کرده ایم؛ یعنی پای طبابت و سلامت را به عطاری ها، آرایشگاه ها و... باز کرده ایم که در آنها نظارت پزشکی کافی هم وجود ندارد. در واقع ما صرفاً موضوع طبابت را از گروهی خاص گرفتیم و به یک گروه اجتماعی دیگر و به یک صنف دیگر و به یک قدرت دیگری واگذار کردیم. به همین دلیل مدعی ام که طب های جایگزین و طب مکمل هم که خود برای طبی سازی وارد میدان شده بودند تا روند طبی سازی را محدود کنند خود به صنعت طبی سازی پیوستند و ساحت بیشتری از انسان امروز را وارد سیستم پزشکی کردند و در چرخه «تجارت سلامت» حل و هضم شدند.

رازهای قابل تحلیل

تحقیقات بسیاری در دنیا در حوزه فلسفه پزشکی انجام شده است که نشان می دهد «طب های مکمل» چطور در آغاز، بیماری ها را طبی زدایی و سپس مجدد به سیستم پزشکی وارد می کنند و در واقع به بهانه طبی زدایی، به طبی سازی مجدد دست می زنند. به عنوان مثال در کشور پرتغال در سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ بیماری های مزمن ابتدا طبی زدایی شدند و بعد، همین بیماری ها به موضوع طب های مکمل و طب جایگزین بدل شدند. مثال دیگر در مورد «ذهن آگاهی» (Mindfulness) است که ریشه در سنت پزشکی شرق دارد. یکی از محققانی که در مورد ذهن آگاهی در جامعه امریکا تحقیقاتی انجام داده مدعی است که اقتدر ادبیات ذهن آگاهی، مفهوم «سلامت» را گسترده می کند که سلامت ذهنی، معنوی، روحی و... را هم دربرمی گیرد تا آنجا که شما فکر کنید هیچ گاه در سلامت نیستید. او در تحقیقاتش نشان می دهد که «ذهن آگاهی» چطور به صنعت سلامت و صنعت پزشکی گره می خورد و چطور به تجارت بدل می شود. اکنون هم



این سبنا حتی «عشق» را هم طبی سازی کرده است و آن را موضوع طب قرار داده است. این سبنا عشق را نوعی بیماری و چون معرفی می کند که باید درمان شود. او می گوید: عشق مرضی است و وسوسه ای که به مالمیخولیا شباهت دارد، مالمیخولیا بیماری است که فکر و پندار از مجرای طبیعی بیرون می رود و سر به تباهی و ترس می کشد و انسان در خیالات خود غرق می شود!



مصایب طب و بیراهه های آن در عصر جدید

کج تابی های سلامت

دنیای مدرن چطور «سلامت» را به یک تجارت پول ساز بدل کرد؟

فلسفه پزشکی

دکتر امیرحسین موسوی

دکترای فلسفه علم و تکنولوژی و محقق فلسفه پزشکی

ادبیات «طبی سازی» که با زولا، فوکو و پیتر کتراد توسعه پیدا کرد، در موج اول خود، منتقد سرسخت پزشکی مدرن بود. آنان معتقد بودند پزشکی مدرن که قرار است عاملی برای رهایی بشر از زنج باشد خود می تواند موجب تسلط و انقیاد اجتماعی شود. اما در موج های بعدی، ادبیات طبی سازی به «طبی سازی خوب» و «طبی سازی بده» تفکیک شد؛ به عنوان مثال اعتیاد را بیماری دیدن و فرد معتاد را بیمار دانستن به جای اینکه او را مجرم بدانیم، از جمله اموری بود که در فرایند طبی سازی خوب قرار گرفت و بسیاری از جراحی های زیبایی، ذیل طبی سازی های بد گنجانده شد. اما این روزها با گونه ای از طبی سازی مدرن مواجهیم که در لباس «طبی زدایی» مشغول طبی سازی لجام گسیخته هستند. با این تفاوت که وقتی امری در سیستم پزشکی قرار می گیرد زیر ذره بین نهادهای نظارتی می رود اما طبی سازی مدرن فاقد نهادهای نظارتی هستند به همین دلیل به پدیده ای به مراتب آسیب زاتر بدل شده اند. در این گفتار قصد داریم دلیل این اتفاق و سیر آن را نشان دهیم و توضیح دهیم که چرا رسیدن به فهمی درست از «طبی سازی» مهم است و کج فهمی در این مفهوم، چه پیامدهایی برای ما داشته است.

طبی سازی و اهدافش

«طبی سازی» را نباید تنها یک مطالعه نظری صرف دانست و از کارکردهای اجتماعی اش غافل شد. اگر طبی سازی را تنها به پزشکان و نهادهای پزشکی معطوف کنیم یک خطای معرفت شناسانه مرتکب شده ایم که بر ضد خودش عمل خواهد کرد. از این رو، دانستن چیستی و اهداف طبی سازی مهم است. طبی سازی تلاشی می کند پزشکی را به ابعاد بیشتری از زندگی انسان نفوذ دهد و در واقع پزشکی را به ابزاری برای تسلط اجتماعی و کنترل انسان بدل کند. طبی سازی چون امور اجتماعی و سیاسی را به امری فردی و یک بیماری ترجمه می کند؛ می تواند پیامدهای اخلاقی و حتی سیاسی داشته باشد.

طبی زدایی و آرمان هایش

اما «طبی زدایی» مسیر عکس طبی سازی را می رود. هدف از طبی زدایی برکردن انسان از قید و بندهای بی مورد پزشکی است. در واقع طبی زدایی آنچه ای وارد عمل می شود که «طبی سازی بند» انجام شده است؛ موضوعاتی که نباید پزشکی باشند و پزشکی

شده اند با طبی زدایی به جایگاه اصلی شان بازگردانده می شوند. به عنوان مثال در کشور هلند «زایمان» طبی زدایی شده است؛ به این معنا که اکنون در این کشور، زایمان در خانه انجام می شود و تنها در صورت ایجاد مشکل به بیمارستان مراجعه می کنند. فرایند طبی زدایی از طریق «طب جایگزین» و «طب های مکمل» سعی دارد فرایند طبی سازی و آسیب های آن را در جوامع مدرن کم کند اما گویا خود در این سیستم، حل و هضم می شود و اکنون به یکی از بازوهای طبی سازی در دنیای مدرن بدل شده است.

طب جایگزین و انتقاداتش به طب مدرن

کار آنجا خطرناک می شود که ادبیات انتقادی به پزشکی مدرن، با ادبیات «طب جایگزین» و «طب مکمل» هم آوا می شود. انتقادات طب جایگزین و طب مکمل به پزشکی مدرن چنین است: پزشکی مدرن به جای «بیمار»، بیماری را در مرکز توجه قرار می دهد؛ پزشکی مدرن به جای «سلامت» تمرکزش را بر بیماری می گذارد؛ پزشکی مدرن به رابطه درمانگر و

راه حل پرتاوان!



برش

«طب جایگزین» و «طب های مکمل» فرایند طبی سازی را در لباس های مبدل به جامعه عرضه کرده اند، یعنی پای طبابت و سلامت را به عطاری ها، آرایشگاه ها و... باز کردند که از نظارت پزشکی کافی هم برخوردار نیستند. در واقع ما موضوع طبابت را از گروهی خاص گرفتیم و به یک گروه اجتماعی دیگر و به یک صنف دیگر و به یک قدرت دیگری واگذار کردیم. بنابراین طب های جایگزین و طب مکمل که برای طبی زدایی وارد میدان شده بودند تا روند طبی سازی را محدود کنند؛ خود به صنعت طبی سازی پیوستند و ساحت بیشتری از انسان امروز را وارد سیستم پزشکی کردند و خود هم در چرخه «تجارت سلامت» حل و هضم شدند.

